

سید احمد کربلائی (استاد سید علی قاضی)



محمد تقی صرفی پور



## سید احمد کربلایی (استاد سید علی قاضی) عارف بزرگ

مرحوم حاج سید احمد کربلایی در عرفان و اخلاق از شاگردان ممتاز مکتب آخوند ملا حسینقلی همدانی است. ایشان با عدیل و هم‌ردیف خود شیخ محمد بهاری در میان سیصد تن شاگرد آخوند از مبرزترین شاگردان او بودند. بعد از درگذشت آخوند، ایشان و مرحوم بهاری راه استاد خود را ادامه دادند. و بعد از آن که مرحوم بهاری به علت بیماری ناگزیر از ترک نجف گردید ایشان یگانه عالم اخلاق و مربی نفوس و راهنمای طالبان حقیقت در طی راه مقصود و ورود در سبل سلام و ایصال به . کعبه مقصود و حرم معبود، در نجف بوده‌اند.

## ولادت

ایشان فرزند سید ابراهیم موسوی تهرانی است و در حدود ۱۲۸۰ قمری شهر کربلا چشم به جهان گشوده، و به همین جهت به کربلایی مشهور و ملقب هستند.

البته سال میلاد ایشان به طور دقیق معلوم نیست و مرحوم علامه طهرانی با اینکه تصریح می‌کنند: «حقیر هر چه تفحص نمودم مبدأ میلادشان را بدست نیاوردم» اما با قرائنی تاریخ ولادت ایشان را محاسبه [۱]. نموده و حدود سال ۱۲۸۰ تخمین زده‌اند

## تحصیلات

آیةالله العظمی حاج سید احمد کربلانی تحصیلات ابتدایی را در کربلای معلی گذرانده و بنا به نقل صاحب هدیه الرّازی بعد از ۱۳۰۰ قمری به سامراء رفته و در حوزه درسی حاج میرزا محمدحسن مجدّد شیرازی وارد آمده است [۲] و سپس به نجف می‌رود و در حوزه درسی آخوند خراسانی وارد می‌شود.

در زمره اساتید علمی ایشان در فقه و اصول از میرزا حبیب الله رشتی و میرزا حسین خلیلی تهرانی نیز نام برده‌اند. با این حال علامه طباطبائی معتقد است

سرانجام به حوزه درس مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی رضوان الله علیه ملحق شده؛ و دوره تعلّم ... علوم ظاهری را در تحت تربیت ایشان انجام داده؛ و اخیراً در بوته تربیت و تهذیب مرحوم آیة الحقّ و استاد وقت: شیخ بزرگوار آخوند ملا حسین قلی همدانی قدس الله سرّه العزیز قرار گرفته؛ و سالیان دراز در ملازمات مرحوم آخوند بوده؛ و از همگنان گوی سبقت ربوده؛ و بالاخره در صفّ اوّل، و طبقه نخستین تلامذه و تربیت یافتگان ایشان مستقرّ گردیده؛ و در علوم ظاهری و باطنی مکانی مکین و مقامی امین را اشغال نمود. و بعد از درگذشت مرحوم آخوند، در عتبه مقدسه نجف اشرف؛ إقامت گزیده، و به درس فقه اشتغال ورزیده؛ و در معارف إلهیه، و تربیت و تکمیل مردم ید بیضا نشان [۳]. می‌داد

سیر و سلوک

آری بی گمان مرحوم کربلایی به همراه شیخ محمد بهاری در میان سیصد تن شاگرد آخوند از  
مبرزترین شاگردان او بودند. بعد از درگذشت آخوند ایشان و مرحوم بهاری راه استاد خود را ادامه  
دادند. و بعد از آن که مرحوم بهاری به علت بیماری ناگزیر از ترک نجف گردید او یگانه عالم  
اخلاق و مربی نفوس و راهنمای طالبان حقیقت در طی راه مقصود و ورود در سبیل سلام و ایصال به  
.کعبه مقصود و حرم معبود، در نجف بوده‌اند

:شیخ آقابزرگ تهرانی که مدتی همسایه مرحوم کربلایی بوده از ایشان چنین یاد می‌کند

سید احمد، در مراتب علم و عمل و سلوک و زهد و ورع و تقوی و معرفت بالله و خوف و خشیت از  
.او یگانه فرد زمان و اوحدی عصر خود بود

نمازهای خود را در مکان‌های خلوت به جای می‌آورد و از اقتدا کردن مردم به وی در نمازها  
خودداری می‌نمود و بسیار گریه می‌کرد و کثیرالبکا بود، به طوری که نمی‌توانست از گریه در نمازها  
.خوشتن‌داری نماید، به خصوص در نماز شب

و من در مدت دو سال که به همسایگی او فائز و بهره‌مند شدم در این مدت از او چیزهایی را مشاهده  
[۴]. نمودم که بیانش به طول می‌انجامد

گفتنی است که مرحوم آیةالله العظمی سید احمد کربلایی آنقدر کثیر البكاء بودند که در اثر گریه‌های طولانی یکی از چشمان مبارکشان را از دست دادند لذا در برخی از اسناد تاریخی از ایشان به نام سید [۵]. احمد واحدالعین نام برده‌اند

معظم له بعد از آخوند ملا حسینقلی همدانی مکتب تربیتی وی را ادامه داد و شاگردان زیادی را تربیت نمود که مبرزترین آنها آیةالله العظمی حاج سید علی آقا قاضی طباطبائی قدس سره می‌باشد. از شاگردان دیگر ایشان می‌توان از آیةالله سید هاشم میردامادی نجف آبادی (جدّ مادری مقام معظم رهبری) و علامه سید محمد کاظم عصار نام برد

[۶] لازم به ذکر است که وصی سلوکی ایشان مرحوم آقا سید ابوالقاسم نجفی بوده‌اند

## وفات

مرحوم کربلایی عاقبت در ۵۲ سالگی در عصر روز جمعه هفتم شوال سال ۱۳۳۲ ق در نجف اشرف بر اثر ابتلا به بیماری سل ندای حق را لبیک گفت و به جنان پر کشید و پیکر پاکش در کنار مرقد جده‌اش امیرالمومنین علیه السلام در آرامگاه ابدیش جای گرفت

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در جلد چهارم از کتاب «الذریعة» ص ۴۶ به مناسبت بیانی درباره کتاب تذکره المتّقین، محلّ دقیق مدفن ایشان را نشان می‌دهد که: قبر مرحوم آقا سید احمد کربلایی در قسمت شمالی در وسط صحن شریف مرتضوی، بین مسجد عمران، و ایوان العلماء، قرار دارد

همچنین آقابزرگ تهرانی برای مرحوم علامه حسینی طهرانی نقل نموده‌اند که: پس از رحلت مرحوم آقا سید احمد کربلایی، من شبی او را در خواب دیدم؛ و می‌دانستم که فوت کرده است؛ انگشت مسبّحه (سبّابه) ایشان را محکم گرفتم؛ و گفتم: از آن مقامات و درجاتی که خدا به شما عنایت فرموده است، باید برای من بیان نمائید

با شدّتی هر چه تمام‌تر انگشت خود را از دست من کشید؛ و خنده‌ای نموده گفت: حلوای تنتانی، تا [۷]! نخوری ندانی

### مقام عرفانی

در عظمت روحی و مقام عرفانی ایشان علامه محمدحسین حسینی طهرانی واقعه‌ای نقل نموده که شنیدنی است:

استاد ما مرحوم آیة‌الله العظمی آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی قدس سره شاگرد مرحوم حاج سید احمد بوده است. مرحوم آقا سید جمال‌الدین برای حقیر نقل کردند که من مدتی به مربی اخلاقی، آقای شیخ علی محمد نجف آبادی رجوع کردم و از او دستور می‌گرفتم. مدت‌ها از این موضوع گذشت و من در تحت تعلیم و تربیت او بودم. تا یک شب بر حسب معمول به مسجد سهله آمدم برای عبادت و عادت من این بود که به دستور استاد هر وقت شب‌ها به مسجد سهله می‌رفتم اولاً نماز مغرب و عشاء را به جای می‌آوردم و سپس اعمال وارده در مقامات مسجد را انجام می‌دادم و پس از آن دستمالی که در آن نان و چیزی بود به عنوان غذا باز می‌کردم و مقداری می‌خوردم آنگاه قدری

استراحت نموده و می‌خوابیدم سپس چندین ساعت به اذان صبح مانده برمی‌خاستم و مشغول نماز و دعا و ذکر و فکر می‌شدم و در موقع اذان صبح نماز صبح را می‌گذاردم و تا اول طلوع آفتاب به بقیه وظائف و اعمال خود ادامه می‌دادم آنگاه به نجف مراجعت می‌نمودم

در آن شب که نماز مغرب و عشاء و اعمال مسجد را به جای آوردم و تقریباً دو ساعت از شب می‌گذشت، همینکه نشستم و دستمال خود را باز کردم تا چیزی بخورم، هنوز مشغول خوردن نشده بودم که صدای مناجات و ناله‌ای به گوش من رسید، و غیر از من هم در این مسجد تاریک احدی نبود.

این صدا از ضلع شمالی، وسط دیوار مسجد، درست در مقابل و روبروی مقام مطهر حضرت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شروع شد. و به طوری جذاب و گیرا و توأم با سوز و گداز و ناله و اشعار عربی و فارسی و مناجات‌ها و دعای عالیۀ المضامین بود که به کلی حال ما و ذهن ما را متوجه خود نمود. من نتوانستم یک لقمه از نان بخورم و دستمال همینطور باز مانده بود

صاحب صدا ساعتی گریه و مناجات داشت و سپس ساکت می‌شد، قدری می‌گذشت دوباره مشغول خواندن و درد دل کردن می‌شد باز آرام می‌گرفت. و هر بار که شروع می‌کرد به خواندن، چند قدمی جلوتر می‌آمد. به طوری که قریب به اذان صبح که رسید در مقابل مقام مطهر امام زمان ارواحنا فداه رسیده بود. در این حال خطاب به حضرت نموده و پس از گریه طولانی و سوز و ناله شدید و دلخراشی این اشعار را با تخاطب و گفتگوی با آن حضرت خواند



ما بدین در، نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم  
رهرو منزل عشقیم و ز سر حد عدم، تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم  
سبزه خط تو دیدیم و ز بستان بهشت به طلبکاری این مهر گیاه آمده‌ایم  
با چنین گنج که شد خازن او روح امین به گدایی به در خانه شاه آمده‌ایم  
لنکر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست؟ که درین بحر کرم، غرق گناه آمده‌ایم  
آبرو می‌رود ای ابر خطاشوی بیار که به دیوان عمل نامه سیاه آمده‌ایم  
حافظ این خرقة پشمینه بینداز که ماز پی قافله با آتش آه آمده‌ایم  
و دیگر ساکت شد و هیچ نگفت و در تاریکی چندین رکعت نماز گذارد تا سپیده صبح دمید آنگاه  
نماز صبح را به جای آورد و مشغول به خود در تعقیبات و ذکر و فکر بود تا آفتاب دمید آن وقت  
برخواست و از مسجد خارج شد

و من تمام آن شب را بیدار بودم و از همه کار و بار و خواب واماندم و مات و مبهوت وی بودم. چون  
خواستم از مسجد بیرون شوم، از سرخدمه آنجا که اطاقش خارج از مسجد و ضلع شرقی بود، پرسیدم:  
!این شخص که بود؟! آیا شما او را می‌شناسید؟

گفتند: آری! این مردی است به نام سید احمد کربلایی. بعضی از شبهای خلوت که در مسجد کسی  
نیست می‌آید و حال و وضعش هم همینطور است که دیدید

من که به نجف آمدم و خدمت استاد خود آقا شیخ علی محمد رسیدم، مطالب را مو به مو بر ایشان بیان کردم ایشان برخاست و گفت: با من بیا، من در خدمت استاد رفتم استاد در منزل آقا سید احمد وارد شد و دست مرا در دست او گذارد و گفت: از این به بعد مربی اخلاقی و استاد عرفانی تو [۸]. ایشانست، باید از او دستور بگیری و از او متابعت بنمایی

:همچنین ایشان در رساله شریفه لبّ اللباب می فرمایند

از مرحوم آقا سید احمد کربلایی رضوان الله علیه که از شاگردان معروف و میرز مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی بوده اند نقل است که فرموده اند: «روزی در جائی استراحت کرده بودم کسی مرا بیدار کرد و گفت: اگر می خواهی نور اسفهبده را تماشا کنی از جای برخیز. وقتی چشم گشودم دیدم نوری بی حدّ و اندازه، مشرق و مغرب عالم را فرا گرفته است». اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا. این همان [۹]. مرحله تجلّی نفس است که بدین صورت و به کیفیت نور غیر محدود مشاهده می شود

در مورد زهد و دنیاگریزی ایشان و اعراض از مقامات ظاهری سید احمد کربلایی نیز داستان عجیبی از آن اسوه تقوا نقل شده است. باز علامه حسنی طهرانی از مرحوم آیه الله حاج سید علی لواسانی نقل می کند که او گفت: پدر من سید ابوالقاسم گفتند

روزی از روزها که درس تمام شد و شاگردان شروع به رفتن کردند من هم برخاستم که بروم مرحوم استاد حاج سید احمد فرمودند: آقای سید ابوالقاسم! اگر کاری نداری قدری بنشین

من دانستم که ایشان کار خصوصی دارند، عرض کردم: نه کاری ندارم و نشستم. پس از آنکه همه رفتند، فرمودند: برای آقا محمدتقی بنویس! و سپس حالشان منقلب شد و گفتند

آه، آه، خودش گفته است، خودش گفته است، مسلم است، مسلم است، و چنان انقلاب حال پیدا کردند که بی حال شدند.

مدتی طول کشید تا این که استاد قدری سر حال آمدند فرمودند: این مرد یعنی میرزا محمدتقی شیرازی احتیاطات خود را به من ارجاع داده است. افرادی به او مراجعه کرده و از او پرسیده اند که اگر خدای ناکرده برای شما واقعه ای اتفاق بیفتد، ما بعد از شما از چه کسی تقلید کنیم و اینک در احتیاطات شما به که مراجعه نماییم؟

:آقا میرزا محمدتقی در جواب گفته است

.به سید احمد، من غیر از او کسی را سراغ ندارم

آقا سید ابوالقاسم! برای او بنویس که: آقا میرزا محمدتقی! شما در امور دنیا حکومت دارید! اگر دیگر از این کارها بکنید و کسی را ارجاع دهید فردای قیامت در محضر جدم رسول خدا، که حکومت در [۱۰].دست ماست از شما شکایت خواهم کرد و از شما راضی نخواهم شد

آقا سید محمد حسن قاضی (فرزند ارشد میرزا علی آقای قاضی) از قول استاد سید جلال الدین آشتیانی:  
رحمة الله عليهم چنین نقل می کند

آقا سید احمد کربلائی یکی از علمای نامی شیعه در زمان خود بود؛ زیرا، علاوه بر احاطه بر علوم « منقول و روایات اهل بیت معصوم علیهم السلام، فقیه ترین و یکی از بزرگان فقهاء زمان خود بود. این موضوع را علامه طباطبائی از قول استاد فقه خود، یعنی اصول دان مشهور حضرت حاج شیخ محمد حسین اصفهانی مشهور به «کمپانی»، نقل نموده است که گفته است: «من کسی را فقیه تر از سید احمد کربلائی سراغ ندارم» یا «کسی را در دانش فقه عمیق تر و مسلط تر از سید احمد طهرانی نیافته ام».

او اضافه می نماید که گروهی از بازرگانان و بازاریان تهرانی از او تقاضا داشتند که کتاب رساله عملیه منتشر کند که بدیهی است اگر چنین اقدامی صورت می گرفت قطعاً یکی از مراجع می گردید.

ضمناً سید مجلسی جهت تدریس اخلاق، به روش اجداد معصومش علیهم السلام، داشت؛ در این مجلس گروهی از نزدیکان حضور بهم می رساندند.

لازم به یادآوری است که سید احمد کربلائی و آخوند ملا حسین قلی همدانی و آخوند ملا فتح علی عراقی و امثال ایشان از گروه صوفیه و مدعی قطبیت نبودند، بلکه روش ایشان روش اهل بیت علیهم السلام بود و مرادشان تقرب و نزدیک شدن به درگاه حق بود.

از سید احمد کربلایی احوالات خاص و کرامات بسیاری نقل می کنند که مایه تعجب و حیرت است.

می گوید که سید کاظم عصار از باهوشترین شاگردان آیه الله شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ آقا ضیاءالدین عراقی بود، و به علت نبوغ فوق العاده علمی و هوش سرشارش کمتر به برتری عالمی دیگر اذعان می کرد یا اینکه کرامات و کارهای فوق العاده ای را از کسی نقل قول می نمود، اما از سید احمد کربلایی چیزهای زیادی را نقل می کرد که جنبه کرامات داشته است و خارق العاده بوده است. از او این گونه نام می برد: او یگانه کسی است که توانست دید و بصر خود را تبدیل به بصیرت نماید و پرده های ضخیم را، با عبادت و غرق شدن در ادعیه و اوراد و مقید بودن به نوافل، از جلو چشم خود [۱۱] «کنار زند، و من هرگز نظیر او را در سراسر زندگیم ندیده ام»

آقا سید محمد حسن قاضی پس از نقل گفتار استاد آشتیانی می گوید:

آری عقیده همگان بر این است که سید احمد کربلایی در زمینه زهد و تقوی در مرحله ای بسیار والا بوده است، علاوه بر اطلاعات وسیع او در زمینه معارف اسلامی و فقاهاست. هرگاه نام او نزد پدر، قدس سره، برده می شد به او حالتی از سکون و سراسیمگی و تأمل دست می داد، و سپس به حالت طبیعی برگشته و شروع به ادامه سخن با همنشینان می نمود، و چه بسیار از او سخن می گفت، خداوند همگی ایشان را قرین رحمت و اسعه خود گرداند

استاد آشتیانی در مقدمه‌ای که بر طبع دوم «شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم» نگاشته‌اند  
می‌فرمایند

مرحوم عصّار در عرفانیات راسخ بود و نسبت بمرحوم عارف و فقیه یگانه، آقا سید احمد طهرانی  
واحد العین معروف به کربلایی عشق می‌ورزید و مدتی به درس و مجلس ذکر او حاضر شده بود،  
روزی فرمودند در بین اعظامی که محضرشان را درک کرده‌ام، تنها شخصی که از پرده‌های ضخیم  
طبیعت و حجب ظلمانی عبور کرده بود او بود. احدی را نظیر او ندیدم. می‌فرمود مرحوم آقا سید  
احمد در فقه جزء اکابر زمان بود، احاطه حیرت‌آور در فقه داشت و در علم اخلاق و سلوک طریق  
باطن بسبک ائمه اطهار و طریقه آخوند ملا حسین قلی و آخوند ملا فتحعلی عراقی سلطان آبادی، فرید  
عصر خود بود و از او چند کرامت، حیرت‌آور و عبرت‌آمیز نقل می‌کرد و خود از او تعلیم ذکر  
[۱۲]. داشت و دائما در حال ذکر بود

پانویس

توحید علمی و عینی، ص ۳۲۵. ۱.

هدیة الرازی الی الإمام المجدّد الشیرازی» ص ۶۶ « ۲.

توحید علمی و عینی، ص: ۱۶۲. ۳.

نقباء البشر، شیخ آغابزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۸۷ و ۸۸. ۴.

مقدمه مجموعه آثار فارسی احمد غزالی، به قلم احمد مجاهد، ص ۱۸۷. ۵.

البته طریقه آن مرحوم به وسیله آقا سید علی آقای قاضی نیز ادامه یافته است. ۶.

توحید علمی و عینی، ص ۲۰. ۷.

توحید علمی و دینی، صص ۲۲ - ۲۴. ۸.

رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الألباب، ص ۳۴. ۹.

توحید علمی و دینی، ص ۲۴. ۱۰.

آیت الحق (ترجمه)، ج اول، ص ۲۸۱. ۱۱.

شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، ص ۳۶. ۱۲.

توحید علمی و عینی، ص ۱۱-۱۳. ۱۳.

مهر تابان، ص ۲۲۱. ۱۴.